

بررسی روایات و آرای بزرگان شیعه و اهل سنت درباره شفاعت

علی اشرف کرمی^۱

چکیده

مسئله شفاعت از جمله مباحث مهم در تعالیم اسلامی است، به گونه‌ای که چندین آیه از قرآن به آن اختصاص یافته است و نیز در احادیث اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد تا جایی که این روایات در بسیاری از کتاب‌های معتبر شیعه و اهل سنت وارد شده و هر کدام حق شفاعت را به گروهی، فردی یا قومی داده‌اند. نگارنده در این پژوهش بر آن است تا روایات مشترک و مختص شیعه و اهل سنت را در زمینه شفاعت ذکر کرده تا فردی که خواهان شفاعت است بتواند شرایط آن را اکساب و مشمول شفاعت واقع شود. هم‌چنین در این تحقیق نظرات بزرگان اهل سنت و شیعه در بحث شفاعت بیان شده است.

کلید واژه‌ها: اهل سنت، شیعه، شفاعت، روایت، پیامبر اسلام، وهابیت.

گفتار اول

مقام شفاعت در روز قیامت در پیشگاه خداوند موقعیتی نیست که هر کسی صاحب آن شود بلکه این مقام در شأن کسانی است که در نزد خداوند عزت و آبروی خاصی داشته باشند. این نوع شفاعت است که مورد بدفهمی مردم قرار گرفته و گاهی هم آن را وسیله‌ای برای فرار از انجام واجبات می‌دانند. شفاعت معلول عملکرد انسان است؛ یعنی باید طوری عمل کند تا خود را مستحق شفاعت نماید، مانند آن که از خدا غافل نباشد و شفاعت رسول و اولیای خدا را وسیله گناه کردن قرار ندهد.

الف) روایات مشترک شیعه و اهل سنت درباره لزوم پذیرش اصل شفاعت

در روضة الواعظین آمده است: القطان، عن السکری، عن الجوهری، عن محمد بن عماره، عن ابیه قال: قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام: «مَنْ أَنْكَرَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ فَلَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا: الْمِعْرَاجَ، وَ الْمَسْأَلَةَ فِي الْقَبْرِ، وَ الشَّفَاعَةَ؛ إِمَامَ صَادِقٍ علیه السلام» می‌فرماید: هر کس سه چیز را انکار کند از شیعیان ما نیست: معراج، سؤال قبر، شفاعت» (فتال نیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۵۰۱؛ صدوق، ۱۳۷۰، ص ۲۹۴ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۳۷).

۱- مدرس آموزشگاه فنی حرفه‌ای سما، استان کرمانشاه.

عن زید بن ارقم و بضعه عشر من الصحابه قال رسول الله ﷺ: «شفاعتی يوم القيامة حق، فمن لم يؤمن بها لم يكن من أهلها؛ شفاعت من در روز قیامت حق است پس کسی که به آن ایمان نیاورد در زمره شفاعت شدگان قرار نمی‌گیرد». (هندی، ۱۹۸۵م، ج ۱۴، ص ۳۹۹).

ب) روایات مشترک شیعه و سنی درباره شفاعت کنندگان

در سنن ترمذی آمده است: قال رسول الله ﷺ: «إن سورة من القرآن ثلاثين آیه شفعت لرجل حتی غفرله و هی (تبارک الذی بیده الملك)؛ پیامبر ﷺ فرمود: سورة تبارک که سی آیه دارد برای کسی (که او را خوانده) شفاعت می‌کند تا اینکه آمرزیده شود». (ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۳۸).

قال علیؑ: «واعلموا أنه شافعٌ مُشَفَّعٌ، وَ قَائِلٌ مُصَدِّقٌ، وَ أَنَّهُ مَنْ شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفَعَ فِيهِ؛ حضرت علیؑ فرمود: آگاه باشید که شفاعت قرآن پذیرفته و سخنش تصدیق می‌گردد. آن که در قیامت، قرآن شفاعتش کند شفاعت درباره‌اش پذیرفته می‌شود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

۱ - پیامبر گرامی اسلام ﷺ

در محاسن برقی آمده است: أبی، عن القاسم بن محمد، عن علی بن أبی همزه قال: «قال الصادقؑ ما احد من الاولین و الاخرین الا و هو یحتاج الی شفاعه محمد ﷺ يوم القيامة؛ امام صادقؑ فرمود: از اولین و آخرین، کسی نیست که در روز قیامت محتاج به شفاعت محمد ﷺ نباشد» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۸۴ و مجلسی، پیشین، ص ۴۲).

در سنن دارمی آمده است: اخبرنا حکم بن نافع اخبرنا شعيب عن الزهري، قال حدثني ابو سلمه بن عبد الرحمن اخبرنا ابا هريره: قال النبي ﷺ: «لكل نبی دعوه و ارید ان شاء الله تعالی ان یتبأ دعوتی شفاعه لأمتی يوم القيامة؛ پیامبر ﷺ فرمود: برای هر پیامبری دعایی است. اگر خدا بخواهد می‌خواهم دعایم را برای شفاعت کردن امت خود در روز قیامت نگه دارم» (دارمی، ۱۳۴۹ق، ج ۲، ص ۳۲۸).

۲ - قرآن کریم

در سنن ترمذی آمده: قال رسول الله ﷺ: «إن سورة من القرآن ثلاثين آیه شفعت لرجل حتی غفرله و هی (تبارک الذی بیده الملك)؛ پیامبر ﷺ فرمود: سورة تبارک که سی آیه دارد برای کسی (که او را خوانده) شفاعت می‌کند تا اینکه آمرزیده شود». (ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۳۸).

قال علیؑ «واعلموا أنه شافعٌ مشَفَّعٌ، و قائلٌ مُصَدِّقٌ، و أَنَّهُ مَنْ شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفَعَ فِيهِ؛ حضرت علیؑ فرمود: آگاه باشید که شفاعت قرآن پذیرفته و سخنش تصدیق می‌گردد. آن که در قیامت، قرآن شفاعتش کند شفاعت درباره‌اش پذیرفته می‌شود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

۳ - ملائک

قال رسول الله ﷺ: «و الشفاعة للانبياء و الاوصياء و المؤمنين و الملائكة و في المؤمنين من يشفع مثل ربيعه و مضر و اقل المؤمنين شفاعة من يشفع لثلاثين انساناً و الشفاعة لا تكون لأهل الشرك و لا لأهل الكفر و الجهود بل يكون للمؤمنين من اهل التوحيد؛ پیامبر ﷺ فرمود: پیامبران، اوصیاء، مؤمنین و ملائکه صاحب مقام شفاعت‌اند. از مؤمنان کسانی هستند که به اندازة قبیله ربيعه و مضر شفاعت می‌کنند. کمترین تعدادی که مؤمنین شفاعت می‌کنند سی نفر است و برای مشرکین و اهل شک و کفار و جهود شفاعتی نیست بلکه شفاعت برای مؤمنین اهل توحید است» (مجلسی، پیشین، ص ۵۸).

در سنن نسایی آمده است: قال رسول الله ﷺ: «فإذا فرغ الله عزوجل من القضاء بين خلقه و أخرج من النار من يريد أن يخرج امر الله الملائكة و الرسل أن تشفع فيعرفون بعلاماتهم ان النار تأكل كل شيء و من ابن آدم إلا موضع السجود...؛ پیامبر ﷺ فرمود: هنگامی که خداوند از داوری میان بندگان فراغت یافت و آنان را که می‌خواستند از آتش در آورد، امر می‌کند که فرشتگان و پیامبران شفاعت کنند و کسانی که باید شفاعت شوند نشانه‌ای دارند که با آن شناخته می‌شوند و آن این است که چون اهل سجده و نماز بوده‌اند آتش دوزخ پیشانی آنها را نمی‌سوزاند» (نسایی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۱۸۱).

۴ - پیامبران

در مسند احمد بن حنبل آمده است: قال رسول الله ﷺ: «إذا ميز أهل الجنة و أهل النار فدخل أهل

الجنة الجنة و أهل النار قامت الرسل فشفعوا» (ابن حنبل، [بی تا]، ج ۳، ص ۳۲۵).

شیخ صدوق آورده است: عن علی علیه السلام قال رسول الله ﷺ: «ثلاثة يشفعون الى الله عزوجل فيشفعون الانبياء ثم العلماء ثم الشهداء؛ از علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا فرمود: سه دسته هستند که در پیشگاه خداوند شفاعت می‌کنند و شفاعت آنان پذیرفته می‌شود: ۱ - پیامبران؛ ۲ - دانشمندان دینی؛ ۳ - شهدای راه خدا» (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۱۵۶).

۵ - مؤمنان

در کتاب «تأویل الآيات الظاهرة» آمده است: «عن ابان ابن تغلب قال سمعتُ أبا عبد الله عليه السلام يقول: «إن المؤمن يشفع يوم القيامة لاهل بيته فيشفع فيهم حتى يبقى خادمه فيقول - فيرفع سبابيه - يارب خويد می‌کان یقینی الحر و البرد فیشفع فیهِ؛ ابان بن تغلب از امام صادق نقل کرده که: مؤمن در روز قیامت برای خانواده خود شفاعت می‌کند تا این که خدمتگزار او باقی می‌ماند، پس در حالی که دو انگشت سیابه خود را بلند کرده می‌گوید پروردگارا خادم را که مرا از گرما و سرما حفظ می‌کرد شفاعت کن، پس شفاعت او درباره خادمش پذیرفته شد» (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۸۷ و مجلسی، پیشین، ص ۶۱).

قال رسول الله ﷺ: «يشفع النبيون و الملائكة و المؤمنون فيقول الجبار بقيت شفاعتي» (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۱۶۰).

۶ - شهدا

احمد بن حنبل در مسندش آورده است: قال رسول الله ﷺ «فيؤذن للملائكة و النبيين و الشهداء أن يشفعوا فيشفعون و يخرجون من كان في قلبه ما يزن ذره من إيمان؛ پیامبر ﷺ فرمود: پس اجازه داده می‌شود که فرشتگان و پیامبران و شهدا شفاعت کنند، آن‌گاه آنان شفاعت می‌کنند و هر کسی که ذره‌ای ایمان در قلب او باشد را از آتش جهنم خارج می‌کنند» (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۳).

شیخ صدوق آورده است: عن علي بن ابي طالب قال: قال رسول الله ﷺ: «ثلاثة يشفعون الى الله عزوجل فيشفعون الانبياء ثم العلماء ثم الشهداء». (صدوق، پیشین، ص ۱۵۶).

۷ - عالمان

احمد بن محمد عن ابیه عن... ابی عبد الله ع قال: «إذا كان يوم القيامة بعث الله العالم و العابد فإذا وقفا بين یدی الله عزوجل قیل للعابد: انطلق إلى الجنة، و قیل للعالم: قف تشفع للناس بحسن تأديک لهم؛ امام صادق ع می‌فرماید: روز قیامت که عالم و عابد محشور می‌شوند هنگامی که در پیشگاه الهی می‌ایستند به عابد گفته می‌شود برو به سوی بهشت و به عالم گفته می‌شود بایست و آنها را که تعلیم و تربیت کرده‌ای شفاعت کن» (صدوق، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۹۴ و مجلسی، پیشین، ص ۵۶).

از ابن ماجه روایت شده است که: قال رسول الله ﷺ: «يشفع يوم القيامة الأنبياء ثم العلماء ثم الشهداء؛ پیامبر ﷺ فرمود: روز قیامت، پیامبران و دانشمندان دینی و شهیدان راه خدا شفاعت می‌کنند». (فروینی، ۱۴۲۱ق، ص ۷۳۷).

۸ - روزه

باسناد عن علی بن الحسن بن فضال... عن ابی عبد الله ع قال: قال رسول الله ﷺ فی حدیث طویل «الصوم جنة من النار؛ پیامبر ﷺ در حدیث طولانی می‌فرماید: روزه سپری است از آتش جهنم». (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۹۵).

در حدیثی از مسند احمد بن حنبل روایت شده که: قال رسول الله ﷺ: «للصيام و القرآن يشفعان للعبد يوم القيامة. يقول الصيام: أی رب منعته الطعام و الشهوات بالنهار فشفعنی فيه و يقول القرآن: منعته النوم باللیل فشفعنی فيه، قال: فيشفعان؛ پیامبر ﷺ فرمود: روزه و قرآن برای کسی که روزه گرفته است و در شبها قرآن تلاوت کرده است شفاعت می‌کنند. روزه می‌گوید: پروردگارا من این شخص را از خوردن غذا و انجام شهوات در روز مانع شدم. پس شفاعت مرا درباره او بپذیر و نیز قرآن می‌گوید من این شخص را از خواب شب بازداشتم پس شفاعت مرا درباره او بپذیر. پس شفاعت هر دو درباره او پذیرفته می‌شود». (ابن حنبل، پیشین، ص ۱۷۴).

۹ - حافظان قرآن

در وسائل الشیعه آمده است: عن رسول الله ﷺ: «من قرأ القرآن حتى يستظهره و يحفظه أدخله الله الجنة و شفعه فی عشره من أهل بيته كلهم قد وجبت لهم النار؛ رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که قرآن را بخواند تا آن را آشکار کند و حفظش کند خداوند او را وارد بهشت می کند و شفاعت او را درباره ده نفر از خویشاوندانش که آتش بر آنها واجب شده است می پذیرد». (حر عاملی، پیشین، ج ۹، ص ۱۶۹).

در سنن ترمذی آمده است: عن علی عن رسول الله ﷺ: «من تعلم القرآن فاستظهره فأحل حلاله و حرمة حرامه أدخله الله به الجنة و شفعه فی عشره من أهل بيته كلهم قد وجبت له النار؛ کسی که قرآن را یاد بگیرد و آن را حفظ کند و حلال آن را حلال و حرام آن را حرام بداند خداوند او را به واسطه اهل قرآن بودن، اهل بهشت قرار می دهد و شفاعت او را درباره ده نفر از خویشاوندانش که همه مستحق آتش باشند می پذیرد». (ترمذی، پیشین، ص ۲۴۵).

ج) روایات مشترک شیعه و سنی درباره شفاعت شوندگان

در منابع دینی مشخص شده که به طور قطع چه کسانی مورد شفاعت قرار می گیرند، زیرا قرآن کریم می فرماید: «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشِيئَةِ مُشْفِقِينَ» (انبیاء، ۲۸). بنابراین شفاعت مخصوص کسانی است که خدا از دین آنها راضی باشد، هم چنان که در آیه دیگری می فرماید: «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا» (طه/۱۰۹) از این دو آیه که خشنودی خدا را مطلق بیان فرموده و به عمل خاصی مقید نکرده می توان نتیجه گرفت که این خشنودی از دین آنهاست و با کمک آیه دیگری که می فرماید:

«يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفِدًا * وَسَوْقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرِدًا * لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا؛ [یاد کن] روزی را که پرهیزگاران را به سوی [خدای] رحمان گروه گروه محشور می کنیم و مجرمان را با حال تشنگی به سوی دوزخ می رانیم [آنان] اختیار شفاعت را ندارند جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است». (مریم/۸۵ - ۸۷). مشخص می شود که مجرمی به شفاعت خواهد رسید که نزد خدا عهدی داشته باشد. این عهد همان دین آنهاست.

در جمع بندی این مطلب که چه کسانی به شفاعت می رسند می توان گفت آنها مؤمنانی هستند که دین حق را برگزیده و رابطه خود را با خدای خود نگه داشته اند، اما به خاطر گناهان کبیره ای که مرتکب شده اند در قیامت گرفتارند ولی مورد شفاعت قرار گرفته و نجات پیدا می کنند. در این مورد روایتی از شیعه و سنی وجود دارد که تا حدودی مشخص کننده خصوصیات کسانی است که شفاعت می شوند. این خصوصیات عبارت است از:

۱ - مرتکبان گناهان کبیره

در کنز العمال آمده است: عن ابن عمر عن كعب بن عجره قال رسول الله ﷺ: «شفاعتي لأهل الكبائر من امتي؛ پیامبر ﷺ فرمود: شفاعت من برای کسانی از امتم خواهد بود که مرتکب گناهان بزرگ شده باشند». (هندی، پیشین، ج ۱۴، ص ۳۹۸).

در امالی صدوق آمده است: حدثنا ابن بابويه قمي قال: حدثنا محمد بن علي ما جيلويه عن عمه محمد بن أبي القاسم عن احمد بن أبي عبدالله البوقی عن علي بن الحسين برقي عن عبدالله بن جيله عن معاويه بن عمار عن الحسن بن عبدالله عن ابيه عن جده حسن بن علي قال: قال رسول الله ﷺ: «والشفاعة لأصحاب الكبائر من امتي؛ پیامبر ﷺ فرمود: شفاعت برای گناهکاران امتم که مرتکب گناهان بزرگ شده‌اند می‌باشد» (صدوق، ۱۳۷۰ق، ص ۱۹۴).

۲ - گویندگان لا اله الا الله

در امالی شیخ طوسی آمده است: أخبرنا أبو عمر، قال: أخبرنا أحمد قال: حدثنا أحمد بن يحيى، قال: حدثنا عبدالرحمن، عن ابي اسحاق، عن العباس بن معبد بن العباس، عن بعض أهله، عن العباس بن عبد المطلب، أنه قال: لما حضرت ابا طالب الوفاة قال له نبي الله ﷺ: «يا عم، قل كلمة واحدة واشفع لك بها يوم القيامة؛ لا اله الا الله؛ هنگامی که ابوطالب در حال فوت بود، پیامبر ﷺ به او فرمود: ای عموا! کلمه واحد را بگو و به وسیله آن در روز قیامت بر تو شفاعت خواهم کرد؛ لا اله الا الله» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۵).

در مسند احمد آمده است: قال رسول الله ﷺ: «يشفع الأنبياء في كل من كان يشهد أن لا اله الا الله مخلصاً فيخرجونهم منها؛ پیامبران برای کسانی که از روی اخلاص به یگانگی خدا گواهی می‌داده‌اند شفاعت می‌کنند و آنان را از جهنم خارج می‌نمایند». (ابن حنبل، پیشین، ج ۳، ص ۱۲).

(د) روایات مشترک شیعه و سنی درباره محرومان از شفاعت

بنابر روایات، کسانی هستند که از شفاعت محروم شناخته شده‌اند که عبارت‌اند از:

۱ - مشرک

در سنن ابن ماجه آمده است: قال رسول الله ﷺ: «لكل نبي دعوة مستجابة. فتجعل كل نبي دعوته و إني اختبأت دعوتي شفاعة لأمتي. فهي نائلة من مات منهم لا يشرك بالله شيئاً» (قزوینی، پیشین، ص ۷۳۵).

در خصال صدوق آمده که امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «إن النبي ﷺ قال في جواب نفر من اليهود سألوه عن مسائل و اما شفاعتي ففي اصحاب الكبائر ما خلا اهل الشرك و الظلم؛ پیامبر ﷺ در جواب فردی یهودی که از برخی مسائل سؤال کرده بود، فرمود: شفاعت من برای کسانی است که مرتکب گناهان بزرگ شده باشند جز شرک به خدا و ستمگری» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۳۵۵).

۲ - فریب کار

در مسند احمد بن حنبل آمده است: قال رسول الله ﷺ: «من غش العرب لم يدخل في شفاعتي...؛ پیامبر ﷺ فرمود: هر کس به عرب‌ها خیانت کند از شفاعت من بی‌بهره خواهد بود». (ابن حنبل، پیشین، ج ۱، ص ۷۲).

در وسائل الشیعه آمده است: امام صادق ﷺ فرمود: «وَمَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فِي شَرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ فَلَيْسَ مِنَّا وَ يَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الْيَهُودِ لِأَنَّهُمْ أَغْشَى الْخَلْقَ لِلْمُسْلِمِينَ؛ کسی که با مسلمانی در خرید و فروش فریب به کار ببرد از ما نیست و در روز قیامت با یهود محشور می‌شود، زیرا آنان بیش از هر کس مسلمانان را فریب می‌دهند». (حر عاملی، پیشین، ج ۱۲، ص ۲۱۰).

۳ - منکران شفاعت

علی بن موسی الرضا ﷺ عن امیرالمؤمنین علی ﷺ قال: «من كَذَبَ بِشَفَاعَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَمْ تَبْلُهُ؛ امام رضا ﷺ از حضرت علی ﷺ نقل می‌کند که فرمود: کسی که شفاعت رسول خدا را تکذیب کند شفاعت آن حضرت به او نمی‌رسد» (صدوق، ۱۳۷۳ق، ج ۲، ص ۱۱۷ و مجلسی، ص ۴۱).

در کنز العمال آمده است: عن زید بن ارقم و بضعة عشر من الصحابة قال رسول الله ﷺ: «شفاعتی يوم القيامة حق، فَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهَا لَمْ يَكُنْ مِنْ أَهْلِهَا» (مندی، پیشین، ص ۳۹۹).

هـ) روایات مختص شیعه درباره شفاعت کنندگان

۱ - امیرالمؤمنین

در مناقب آل ابی طالب ﷺ آمده: «الباقر ﷺ فی قوله» تری کل امه جائیه «قال ذاک النبی صلی الله علیه و آله و علی یقوم علی کوم قد علا علی الخلائق فیشفع ثم یقول یا علی اشفع...؛ از امام باقر ﷺ درباره سخن خداوند «تری کل امه جائیه» روایت شده که فرمود: این پیامبر ﷺ و علی ﷺ می‌باشند که بر جایگاه بلندی که بر خلائق اشراف دارد قرار می‌گیرند پس پیامبر شفاعت می‌کند سپس می‌گوید یا علی شفاعت کن...» (سروی مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۱۶۵ و مجلسی، پیشین، ص ۴۳).

۲ - حضرت فاطمه زهرا ﷺ

در بشاره المصطفی آمده است: حدثنا احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی... عن سعید بن المصیب عن ابن عباس عن النبی ﷺ قال: فأیما إمرأه صلت فی الیوم و اللیله خمس صلوات و صامت شهر رمضان و حجه بیت الله الحرام و زکت مالها و أطاعت زوجها و وابت علیاً بعدی دخلت الجنة بشفاعه ابنتی فاطمه...؛ پیامبر ﷺ فرمود: پس هر زنی که نمازهای پنج‌گانه‌اش را بخواند و روزه ماه رمضان را بگیرد و در صورت استطاعت به زیارت خانه خدا برود و زکات مالش را بدهد و از همسرش اطاعت کند و

پس از من علی را به امامت قبول داشته باشد چنین زنی به شفاعت دخترم فاطمه وارد بهشت خواهد شد». (طبری، ۱۳۸۳ق، ص ۱۷۷؛ صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۶ و مجلسی، پیشین، ص ۵۸).

۳ - اهل بیت پیامبر ﷺ

ابی، عن ابن محبوب، عن ابی أسامه، عن ابی عبدالله و ابی جعفر علیهما السلام قالا: «والله لنشفعن و الله لنشفعن فی المذنبین من شیعتنا حتی تقول اعداءنا اذا رأوا ذلك: «مَآ لَنَا مِنْ شَافِعِينَ» وَتَا صَدِيقِ حَمِيمٍ» (شعراء، ۱۰۱/ - ۱۰۰) فلو أن لنا کره فنكون منه المؤمنین؛ از امام صادق و امام باقر علیهما السلام روایت شده است که فرمودند: به خدا سوگند محققاً ما شفاعت می کنیم به خدا سوگند محققاً ما درباره گناهکاران از شیعیانمان شفاعت می کنیم به گونه ای که دشمنانمان وقتی ببینند خواهند گفت برای ما شفاعت کنندگان و دوست دلسوزی نیست. ای کاش برای ما بازگشتی بود تا از مؤمنان باشیم». (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۲۳ و مجلسی، پیشین، ج ۷، ص ۳۷).

۴ - شیعه علی علیه السلام

قال احمد بن عبدون قال: اخبرنا علی بن محمد زبیر قال: اخبرنا علی بن حسن بن فضل قال: حدثنا عباس بن عامر قال: حدثنا احمد بن رزق عن محمد بن عبد الرحمان، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا تستخفوا شیعه علی فإن الرجل منهم لیشفع فی مثل ربیعه و مضر؛ امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شیعیان علی را کوچک نشمارید حقیقت آن است که یک نفر از آنها مانند دو قبیله ربیعه و مضر را شفاعت می کند». (صدوق، پیشین، ص ۳۰۷).

۵ - همسایه و خویشاوند

محمد بن خالد برقی، عن حمزه بن عبدالله، عن إسحاق بن عمار، عن علی الخدمی قال: قال الصادق علیه السلام: «ان الجار یشفع لجاره و الحمیم لحمیمه، و لو ان الملائکه المقربین و الانبیاء المرسلین شفَعوا فی ناصب ما شفَعوا؛ امام صادق علیه السلام فرمود: همسایه، همسایه را و خویشاوند، خویشاوند خود را شفاعت می کنند. ولی اگر فرشتگان مقرب الهی و پیامبران مرسل برای ناصبی و کسی که دشمن اهل بیت عصمت و طهارت است شفاعت کنند، شفاعت آنان پذیرفته نمی شود» (مجلسی، پیشین، ج ۸، ص ۴۲).

۶ - صلح و رحمت و امانت داری

فردوس دیلمی: عن أبو هریره قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الشفعاء خمسہ: القرآن و الرحم و الأمانه و نبیکم و اهل بیت نبیکم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شفاعت کنندگان پنج چیز (یا پنج شخص) می باشد: ۱ - قرآن؛ ۲ - خویشاوندان؛ ۳ - امانت داری؛ ۴ - رسول اکرم صلی الله علیه و آله؛ ۵ - اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله» (سروی مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۱۶۴ و مجلسی، پیشین، ص ۴۳).

۷- درود فرستادن بر محمد و آل او

در صحیفه سجادیه آمده است: «و صل علی محمد و آله صلاه تشفع لنا یوم القیامه و یوم الفاقه الیک؛ و بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که روز رستاخیز و روز نیازمندی به تو، ما را شفاعت کند» (صحیفه سجادیه، دعای ۳۱).

(و) روایات مختص شیعه درباره شفاعت شونندگان

۱- کسی که ولایت امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام را بپذیرد:
قال الصادق علیه السلام فی تفسیر آیه الشریفه «لَا یَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» لا یشفع و لا یشفع لهم و لا یشفعون إلا من اذن له بولایه امیرالمؤمنین و الائمه من بعده فهو العهد عندالله؛ ...کسی شفاعت نمی کند و برای کسی شفاعت نمی شود و از کسی شفاعت پذیرفته نمی شود مگر آن که ولایت امیرالمؤمنان و فرزندان معصوم او را داشته باشد و آن است عهد نزد پروردگار.

۲- کسانی که خدا رضایت دهد:

«یَعْلَمُ مَا بَیْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا یَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ» (انبیاء/۲۸).

در تفسیر آیه بالا روایتی از امام رضا علیه السلام وارد شده است که: قال الحسن بن خالد قلت للرضا علیه السلام: یابن رسول الله فما معنی قول الله عزوجل: و لا یشفعون إلا لمن ارتضى؟ قال: «لا یشفعون إلا لمن ارتضى الله دینه؛ حسین بن خالد می گوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم معنی قول خدا که می فرماید: شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که مورد رضایت خدا باشد چیست؟ حضرت فرمود: معنایش این است که شفاعت نمی کنند جز برای کسی که دین او مورد رضایت و پسند خدا باشد» (صدوق، پیشین، ص ۷ و مجلسی، پیشین، ص ۵۱).

۳- کسی که ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله را احترام نموده و درکارها آنها را یاری دهد:

قال امیرالمؤمنین علیه السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إني شافع يوم القيامة لأربعة اصناف و لو جاءوا بذنوب اهل الدنيا: رجلٌ نصر ذریتی و رجلٌ بذل ماله لذریتی عندالصیق و رجلٌ أحب ذریتی بالسان و القلب و رجلٌ سعی فی حوائج ذریتی إذا طردوا و شردوا؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من در روز قیامت چهار صنف و گروه را شفاعت می کنم هر چند که با گناهان زیادی آمده باشند: مردی که فرزندان مرا یاری کند و مردی که در هنگام تنگی مالش را به فرزندانم ببخشد و مردی که فرزندان مرا با زبان و قلب دوست داشته باشد و مردی که در برآورده شدن حاجات فرزندانم تلاش کند هرگاه که آنها رانده و تنها شدند» (طوسی، ۱۳۴۱ق، ج ۴ و صدوق، ۱۹۹۲م، ج ۲، ص ۴۸).

۴- پدر و مادر و عمو و برادر پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان جاهلیت:

علی بن ابراهیم، عن ابی، عن محمد بن ابی عمیر، عن معاویه و هشام، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لو قد قمت علی المقام المحمود لشفعت فی ابی و اُمی و عمی و اخ کان لی منی

الجاهلیه؛ پیامبر ﷺ فرمود: اگر بر مقام محمود قیام کنم قسم به خدا که برای پدرم و مادرم و عمویم و برادرم که در زمان جاهلیت داشتم شفاعت می‌کنم». (صدوق، پیشین، ج ۴، ص ۳۲۲).

ز) روایات مختص شیعه دربارهٔ محرومان از شفاعت

۱ - ناصبی

گروهی که به بغض علی بن ابی طالب علیه السلام متدین‌اند و او را دشمن خود می‌دارند. (دمخدا، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۲۱۶).

محمد بن علی بن بابویه، عن ابی، عن سعد... عن علی الصائغ از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «إن المؤمن ليشفع لحميمه إلا أن يكون ناصباً و لو أن ناصباً شفع له كل نبی مرسل و ملك مقرب ماشفعوا؛ مؤمن برای دوست خود شفاعت می‌کند مگر آن که دوستش ناصبی باشد و اگر تمام پیامبران مرسل و ملک مقرب برای ناصبی شفاعت کنند شفاعت دربارهٔ او پذیرفته نمی‌گردد». (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۸۶ و مجلسی، پیشین، ص ۴۱).

۲ - کافر

قال رسول الله ﷺ: «هو الشفاعة لا تكون لاهل الشرك و لاهل الكفر و للجهود بل يكون للمؤمنين من اهل التوحيد؛ پیامبر ﷺ فرمود: و برای مشرکین و اهل شک و کفار و یهود شفاعتی نیست بلکه شفاعت برای مؤمنین اهل توحید است» (مجلسی، پیشین، ص ۵۸).

۳ - ظالم و ستمگر

در روایتی آمده است: قال رسول الله ﷺ: «أما شفاعتی ففی اصحاب الكبائر ما خلا اهل الشرك و الظلم» (محمدی زی شهری، ۱۳۶۲ش، ج ۵، ص ۳۵۵؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۳۵۵ و ۱۳۷۰، ص ۱۹۵).

۴ - آزاردهندهٔ ذریهٔ پیامبر اکرم ﷺ

علی علیه السلام فرمود: قال رسول الله ﷺ: «إذا قمت المقام المحمود تشفعت فی اصحاب الكبائر من امتی فیشفعنی الله فیهم و الله لا تشفعت فیمن اذی ذریتی؛ پیامبر ﷺ فرمود: هنگامی که در مقام محمود قرار گیرم برای گناهکاران امتم شفاعت می‌کنم و خداوند شفاعت مرا می‌پذیرد. به خدا سوگند برای کسانی که ذریه و فرزندان مرا اذیت کرده باشند شفاعت نمی‌کنم» (صدوق، ۱۳۷۰، ص ۱۷۷).

۵ - سبک‌شمارندهٔ نماز

عن ابی بصیر عن ابی الحسن علیه السلام لما احتضر ابی علیه السلام قال لی «یا بنی لابنال شفاعتنا من استخف بالصلاه؛ از ابی بصیر از موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده است که فرمود: پدرم امام صادق علیه السلام در موقع

وفات و حال احتضار فرمود ای فرزندان! به شفاعت خاندان ما نمی‌رسد آن کس که نماز را سبک بشمارد» (محمدی ری‌شهری، پیشین، و کلینی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۰۰).

۶- غالی در دین

هارون، عن ابی صدقه، عن جعفر، عن أبیه علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «صنفان لا تتالهما شفاعتی: سلطان غشوم، و غالی فی الدین مارق منه غیر تائب و لانازع؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شفاعت من به دو گروه نمی‌رسد: پادشاه ظالم و کسی که در دین غلو ورزد و بدین جهت بدون توبه از دین بیرون رود» (مجلسی، پیشین، ج ۷۲، ص ۳۳۶).

گفتار دوم

در اصل مسئله شفاعت هیچ فرقه‌ای از فرقه‌های اسلامی شکی ندارد و فی‌الجمله شفاعت مورد اتفاق و پذیرش همه فرقه‌های اسلامی است. تنها چیزی که باعث اختلاف است مسائل جزئی آن می‌باشد، مثل این که مشفوع‌له چه کسانی هستند. در ادامه به بررسی نظریات موجود در این باره می‌پردازیم:

الف: اهل سنت

نووی شارح صحیح مسلم می‌گوید: «مذهب اهل سنت و جماعت، عقیده‌شان بر این است که شفاعت از نظر عقل ممکن و خالی از اشکال است و از نظر قرآن و گفتار پیشوایان اسلام نیز حتمی و مسلم است، زیرا اولاً: قرآن مجید این حقیقت را می‌پذیرد و ثانیاً: اخبار و روایات در این زمینه آن‌چنان فراوان است که به حد تواتر رسیده و موجب قطع و یقین می‌باشد و از طرف دیگر، گذشتگان و هم‌چنین معاصرین ما اتفاق دارند که در روز جزا برای گناهکارانی از اهل ایمان شفاعت خواهد بود». (هاشم‌زاده هریسی، ۱۳۹۹ق، ص ۱۳۵ و حسینی صدر، ۱۴۲۸ق، ص ۴۵).

قاضی عبدالجبار (از صاحب نظران معتزلی) می‌گوید:

«إنه لا خلاف بین الامه فی ان شفاعه النبی صلی الله علیه و آله ثابته للامه و إنما الخلاف فی أنها ثبت لمن؟ بین امت اسلامی اختلافی نیست در این که شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله برای امت اسلامی ثابت است، همانا اختلاف بر این است که برای چه کسی شفاعت می‌شود؟» (قاضی عبدالجبار، ۱۳۸۴ق، ص ۶۸).

وی در جواب به این سؤال می‌گوید:

«فندنا أن الشفاعه للتائبین من المؤمنین و عند المرجئه أنها للفاسق من اهل الصلاه؛ ما می‌گوییم شفاعت برای انسان‌هایی است که توبه کرده‌اند و از دنیا رفته‌اند اما مرجئه می‌گویند شفاعت برای افرادی از مسلمانان است که گناه نموده‌اند، توبه نکرده و از دنیا رفته‌اند».

وی در جایی دیگر می‌گوید:

«فأما قولنا في الشفاعة فهو معروف و نزع من أن من انكرها فقد اخطا الخطاء العظيم لكننا نقول لأهل الثواب دون أهل العقاب، لأولياء الله دون أعدائه، يشفع - صلى الله عليه و آله - في أن يزيد تفضيلاً عظيماً؛ گفته ما در شفاعت معروف و معلوم است و گمان می‌کنیم کسی که شفاعت را انکار کند خطای بزرگی مرتکب شده است، اما می‌گوییم مشمول حال اهل ثواب و اولیاء الله می‌شود نه اهل عقاب و اعداء الله. کاربرد شفاعت هم دربارهٔ اهل ثواب و اولیاء الله زیادت تفضیل و درجه آنها است» (قاضی عبدالجبار، ۱۳۹۳ق، ص ۲۰۷).

فخر رازی (از بزرگان مکتب اشعری) می‌گوید: «امت اسلامی اتفاق نظر دارند که پیامبر اسلام ﷺ روز رستاخیز حق شفاعت دارد. و گروه معتزله شفاعت را به گونه‌ای دیگر تفسیر نموده و می‌گویند: مقصود از شفاعت پیامبر در این روز آن است که شفاعت وی سبب می‌شود که پاداش نیکوکاران بالا رود نه این که گناهکاران را از عذاب برهاند. ولی حق همان است که تمام طوایف اسلامی (جز این طایفه) آن را می‌گویند و معنای شفاعت پیامبر ﷺ این است که گناهکاران را از عذاب دوزخ می‌رهاند تا وارد آتش نشوند و آنها هم که در آن می‌سوزند، در پرتو شفاعت پیامبر ﷺ از آتش دوزخ خارج شده وارد بهشت می‌شوند». (رازی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۵۱).

امام ابوحنیفه نسفی (متوفی ۵۷۳) می‌نویسد:

«شفاعت برای پیامبران، و مردان نیکوکار در روز رستاخیز قطعی است و این مطلب در دین مقدس اسلام به طور مستفیض ثابت شده است (سبحانی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۸۸).

ابن تیمیه حرانی دمشقی (متوفای ۷۲۷ ق) - نخستین فردی که بذر مذهب وهابی‌گری را در جامعه اسلامی پاشید - می‌گوید:

«پیامبر ﷺ دربارهٔ کسانی که مستحق عذاب‌اند، شفاعت می‌کند، نه تنها پیامبر ﷺ بلکه تمام پیامبران و صدیقین و غیر آنان نیز دربارهٔ گناهکاران شفاعت می‌کنند تا معذب نشوند و اگر وارد دوزخ شده‌اند از آن بیرون آیند» (سبحانی، منشور جاوید، ۱۳۸۳ش، ج ۸، ص ۱۹۳).

نظام الدین قوشچی (متوفای ۸۷۹) می‌گوید:

«مسلمانان شفاعت را به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته‌اند و دربارهٔ آن اختلاف ندارند و مفسران می‌گویند که مراد این آیه: «... عسى أن يبيئكم ربك مقاماً محموداً» (اسراء/۷۹) همان شفاعت پیامبر گرامی اسلام ﷺ است. (رضوانی، ۱۳۸۵ش، ص ۳۳).

محمد بن عبدالوهاب (متوفای ۱۲۰۶ ق و مؤسس فرقه وهابیت) می‌گوید:

«ما شفاعت را ثابت می‌دانیم، به این صورت که بگوییم: خدایا! پیامبر ما محمد ﷺ را در روز قیامت شفیع ما قرار بده، یا بگوییم: خدایا! بندگان صالح یا ملائکه‌ات را شفیع ما قرار بده، به طوری که از خداوند خواسته شود نه از آنان. پس نباید گفت: ای رسول خدا! یا ای ولی خدا! من از تو طلب شفاعت می‌کنم. پس اگر چنین حاجتی را از کسی که در برزخ است طلب کنی یکی از اقسام شرک است.» (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۱۳).

و نیز می‌گوید: «از امور مسلم در آخرت شفاعت است و بر هر مسلمانی لازم است که به شفاعت پیامبر و دیگر شیعیان ایمان داشته باشد و... ولی وظیفه ما این است چشم امید به خداوند بدوزیم و از خداوند بخواهیم که شفاعت پیامبر خود را در حق ما بپذیرد». (امین حسینی عاملی، بی‌تا، ص ۲۴۰).

طرفداران عبدالوهاب دانسته یا ندانسته مسائل اسلامی را در مبارزه کردن با چند مسئله همانند موضوع شفاعت خلاصه کرده و در عمل، مردم را از مباحث اجتماعی اسلام دور نگه داشته‌اند. در هر صورت آنان در مورد مسئله شفاعت چنین می‌گویند: «هیچ کس حق ندارد از پیامبر ﷺ شفاعت بطلبد و مثلاً بگوید: یا محمداً اشفع لی عندالله» (سید علوی، ۱۳۶۷ش، ص ۲۵۵)، زیرا خداوند می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ و مساجد ویژه خداست پس هیچ کس را با خدا نخوانید» (جن/۱۸). رشید رضا (از مفسران معاصر اهل سنت) می‌گوید:

«روش گذشتگان چنین بوده که شفاعت را دعایی می‌دانستند که خدا آن را اجابت می‌کند. احادیثی که در مورد شفاعت آمده نیز بر این مطلب دلالت می‌کند به طوری که در روایت صحیحین و دیگر کتب آمده است پیامبر در روز قیامت به روشی که به او الهام می‌شود خدا را ثنا می‌گوید پس به او گفته می‌شود سرت را بلند کن و بخواه داده می‌شوی و شفاعت کن که شفاعت تو پذیرفته می‌شود و چنین نیست که خدا از اراده‌ای که برای شافع کرده بود برگردد بلکه اظهار کرامت برای شافع است با تنفیذ اراده ازلی بعد از دعایش و همچنین باعث تقویت غرور مغروران نمی‌شود که اوامر و نواهی دین را به خاطر اعتماد به شفاعت شافعان سبک بگیرند و بی‌اعتنا شوند بلکه شفاعت کلاً برای خداوند است» (رشید رضا، بی‌تا، ص ۳۰۸).

سید سابق استاد دانشگاه الازهر می‌نویسد:

«مقصود از شفاعت این است که از خداوند برای مردم خیر طلب کنیم و در حقیقت شفاعت نوعی از دعای استجاب شده است. بخش بزرگ این شفاعت مربوط به سرور ما پیامبر خداست، او از خدا می‌خواهد که در میان مردم حکم و داوری کند تا از وحشت محشر کاسته شود، در این موقع خداوند دعای او را مستجاب می‌کند و همه خلائق به مقام او غبطه می‌خورند و برتری او بر دیگران ثابت می‌گردد و این همان مقام بلند و پسندیده است که خداوند به وی وعده کرده است، آن‌جا که می‌فرماید: «... عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا». وی سپس به برخی از روایات شفاعت و شروط پذیرفته شدن آن می‌پردازد. (سید سابق، ۱۴۰۳ق، ص ۷۳).

محمد فقی از اساتید الازهر می‌نویسد:

«خداوند شفاعت را برای پیامبرش و سایر پیامبران و مرسلین و بندگان صالحش و بسیاری از بندگان مؤمنش قرار داده است، زیرا شفاعت برای خداوند است جز این‌که خداوند جایز می‌داند که به وسیله شفاعت بر خلق و بندگان برگزیده‌اش تفضل کند، همان‌گونه که به فرشتگانش آن‌چه بخواهد اعطا کند جایز می‌داند (الفقی، ۱۳۸۸ق، ص ۲۰۶).

ب: شیعه

شیخ مفید (از دانشمندان بزرگ شیعه) می‌گوید:

«امامیه اتفاق نظر دارند که پیامبر ﷺ در روز رستاخیز مرتکبان گناه کبیره را شفاعت می‌کند، نه تنها پیامبر بلکه امیر مؤمنان و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام پس از وی نیز در حق شیعیان گنهگار خود شفاعت می‌کنند و بر اثر شفاعت آنان گروه زیادی از شیعیان خطاکار نجات پیدا می‌کنند. ولی گروه خاصی مانند (معتزله) از اهل تسنن با ما (امامیه) به مخالفت برخاسته و تصور کرده‌اند که شفاعت پیامبر ﷺ مربوط به افراد مطیع و فرمانبردار است نه گروه گناهکار و پیامبر هرگز درباره کسانی که محکوم به عذاب هستند شفاعت نمی‌کند. به عقیده این گروه شفاعت باعث افزایش پاداش است نه بخشش گناه» (عکبری بغدادی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۲۹).

ابوعلی محمد بن احمد فتال نیشابوری در کتاب خود «روضه الواعظین» پس از نقل قسمتی از آیات و روایات شفاعت می‌نویسد:

«در میان مسلمانان اختلافی نیست که شفاعت از اصول مسلم اسلام است، چیزی که هست پیروان مکتب و عیدیه^۱ می‌گویند: نتیجه شفاعت، افزایش پاداش و ترفیع درجه است ولی دیگران آن را به معنای نجات بندگان گنهگار از عذاب تفسیر نموده‌اند». سپس وی بحث را با رد نظریه نخست به پایان رسانده است. (فتال نیشابوری، پیشین، ص ۴۰۵).

خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید:

«عقیده به شفاعت اجماعی است و از عقاید صحیح اسلامی است، خواه به منظور افزایش پاداش باشد و خواه برای اسقاط کیفر» (حلی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۴۴۳).

علامه حلی نیز می‌گوید:

«علمای اسلام اتفاق نظر دارند که پیامبر اسلام ﷺ در روز رستاخیز حق شفاعت دارد و آیه زیر گواه بر شفاعت اوست:

«... عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا؛ ... امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند» (اسراء/۷۹).

گفته شده این آیه به شفاعت تفسیر شده است. اختلاف نظری در این باره وجود دارد؛ گروهی می‌گویند هدف از شفاعت افزایش پاداش برای افراد با ایمان است ولی گروه دیگر می‌گویند هدف از آن نجات گنهکاران از عذاب است و قول حق همین است». (پیشین، ص ۴۴۴).

۱- مقصود معتزله است.

مفسر بزرگ شیعی مرحوم طبرسی می‌گوید:

«مسلمانان در این که شفاعت پیامبر ﷺ در روز رستاخیز پذیرفته می‌شود، سخنی ندارند، هر چند در کیفیت آن میان معتزله و دیگران اختلاف نظر است؛ ما (شیعیان) می‌گوییم هدف از شفاعت پیامبر ﷺ نجات دادن گناهکاران از عذاب و کیفر اعمال است، در حالی که معتزله می‌گویند شفاعت پیامبر دربارهٔ افراد فرمانبردار و یا آن دسته از گناهکارانی که توبه کرده‌اند، پذیرفته می‌شود» (طبرسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۳).

بنابراین عقیدهٔ شیعه در مورد شفاعت همانند عقیدهٔ بزرگان شیعه است، زیرا آنان نیز در به دست آوردن آگاهی‌های خود به اصول اربعه «قرآن، سنت، اجماع، عقل» رجوع می‌کنند. خلاصهٔ این اعتقاد این چنین است:

الف - شفاعت باید به اذن خدا باشد؛

ب - شفاعت‌کنندگان، پیامبران، به خصوص رسول اکرم ﷺ و یاران برگزیدهٔ وی و پیشوایان معصوم از خاندان او، مؤمنان شایسته، بندگان صالح و فرشتگان خدا می‌باشند؛

ج - شفاعت‌شوندگان مؤمنانی هستند که مرتکب گناهان کبیره شده‌اند ولی دینشان مورد رضای خداست؛

د - اثر شفاعت در این است که اگر فردی گناه نکرده و یا گناه کرده و توبه نموده است ارتقای درجه یابد و آنانی که مستحق عذاب‌اند بخشیده شده و کسانی که در عذاب‌اند از عذاب خارج شده و آنهایی که بسیار گناه کرده‌اند عذابشان تخفیف یابد. اما گفتار بزرگان شیعه در این اعتقاد به طوری که در کتاب «اعتقادات» آمده چنین است: «اعتقادنا فی الشفاعة أنها لمن ارتضى الله دينه من أهل الكبائر والصغائر... و الشفاعة لا يكون لأهل الشرك و الشرك، و لا لأهل الكفر و الجحود، بل تكون للمذنبين من اهل التوحيد؛ اعتقاد ما در مسئله شفاعت چنین است که شفاعت برای کسی است که دین او مورد رضایت بوده و گناه کبیره یا صغیره‌ای مرتکب شده است. ولی شفاعت برای اهل شک و شرک و همچنین اهل کفر و جحود نمی‌باشد بلکه برای گناهکارانی از اهل توحید می‌باشد» (صدوق، ۱۳۷۱ق، ص ۶۶).

با بررسی‌های انجام شده از دیدگاه‌های فرقه‌های مختلف اسلامی، به نظر می‌رسد هیچ یک از آنها شفاعت را انکار نکرده و فقط دربارهٔ مشفوعه اختلاف دارند.

این فرقه‌ها به دو گروه تقسیم شده‌اند؛ معتزله و هم‌فکران آنها می‌گویند: مشفوعه، اولیاءالله می‌باشند و کاربرد شفاعت دربارهٔ آنها، علو رتبه و درجه می‌باشد؛ همان‌گونه که شیخ بوعلیرمان در کتابش آورده است و می‌گوید: «گناهکاران نمی‌توانند از شفاعت برخوردار شوند و نظریه مرجئه مبنی بر این که شفاعت ممکن است گناهکاران را از رفتن به دوزخ مانع شود، پذیرفتنی نیست.» (شیخ بوعلیرمان، ۱۳۸۲ش، ص ۳۵۴).

شیعه و اشاعره نیز می‌گویند: مشفوعه شخص گناهکار است و کاربرد شفاعت این است که گناه این شخص بخشیده شده و از عذاب نجات داده می‌شود.

سید مرتضی می‌گوید: «همهٔ مسلمانان شفاعت پیامبر ﷺ را قبول دارند ولی در مستحق شفاعت به دو دسته تقسیم شده‌اند: ۱ - معتزله، خوارج و زبیده می‌گویند: شفاعت فقط شامل حال کسانی می‌شود که قبل از مرگ توبه کرده باشند و اصلاً گناهکار نباشند.

۲ - مرجئه و (شیعه و اشاعره) می‌گویند: شفاعت شامل حال مستحقین عقاب می‌شود، که با شفاعت عقاب از آنها برداشته می‌شود». (سید مرتضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۶).

هم‌چنین آیت الله جعفر سبحانی می‌گوید: «امامیه و اشاعره معتقدند که جاودانگی در آتش از ویژگی‌های کافران است و گنهکار مسلمان پس از مدتی از آتش خارج شده و روانهٔ بهشت می‌شود، در حالی که معتزله جاودانگی در آتش را گسترش داده و میان کافر و مسلمان مرتکب کبیره که موفق به توبه نشده است فرقی قائل نشده‌اند و در این مورد به یک رشته آیات چنگ انداخته‌اند که با ملاحظه سیاق آنها ناستواری استدلالشان کاملاً روشن می‌گردد» (سبحانی، فرهنگ عقائد و مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳ش، ج ۳، ص ۱۷۵).

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، محمد، انتشارات طلیعهٔ نور، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۳. صحیفهٔ سجاده.
۴. ابن خنبل، احمد، مسند احمد، دار صادر، بیروت، بی تا.
۵. امین حسینی عاملی، سید محسن، کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، مکتبه الاسلامیه الکبری، قم، چاپ سوم، بی تا.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، دارالقلم، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱ق.
۸. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل‌البتیت لاجیاء التراث، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۱۰. حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین، تاویل الآیات الظاهره، جامعهٔ مدرسین، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۱. حسینی صدر، علی، دروس فی الشفاعه والاستشفاع، انتشارات دلیل ما، قم، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، انتشارات شکوری، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۳. دارمی، عبدالله بن رحمن بن فضل بن بهرام، سنن دارمی، باب البرید، دمشق، چاپ اول، ۱۳۴۹.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامهٔ دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۱۵. رازی، فخرالدین محمد بن عمر حسین بن الحسن، تفسیر کبیر فخر رازی، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

۱۶. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، دارالمعرفه، بیروت، چاپ دوم، بی تا.
۱۷. رضوانی، علی اصغر، موارد شرک نزد وهابیان، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۱۸. سبحانی، جعفر، فرهنگ عقائد و مذاهب اسلامی، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.
۱۹. ———، منشور جاوید، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۲۰. ———، فی ظلال التوحید، دار معشر، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۲۱. سروی مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
۲۲. ———، متشابه القرآن، انتشارات بیدار، بی جا، ۱۳۲۸ش.
۲۳. سید مرتضی، علی، شرح جمل العلم والعمل، انتشارات اسوه، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۴. سید سابق، العقائد الاسلامیه، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۵. سید علوی، سید ابراهیم، تاریخچه نقد و بررسی وهابیه، انتشارات الامین، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۷ش.
۲۶. شیخ بوعمران، مسئله اختیار در تفکر اسلامی و پاسخ معتزله به آن، ترجمه: اسماعیل سعادت، انتشارات هرمس، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۲۷. صدوق، علل الشراعی، انتشارات مکتبه الداوری، قم، بی تا.
۲۸. ———، امالی، ترجمه: محمد باقر کمرهای، انتشارات کتابچی، تهران، ۱۳۷۰ق.
۲۹. ———، خصال، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۳۰. ———، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه: علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ق.
۳۱. ———، من لایحضره الفقیه، دارالاضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۹۲ م.
۳۲. طاهری خرم آبادی، سید حسن، شفاعت، بوستان کتاب، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
۳۳. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، بی تا.
۳۵. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، دارالثقافه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳۷. ———، تهذیب الاحکام فی شرح المنقعه للشیخ مفید، دارالاضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۳۸. عکبری بغدادی، عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، أوائل المقالات، مؤسسه مطالعات اسلامی، تهران، ۱۴۱۳ق.
۳۹. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی تا.
۴۰. فقی، محمد، التوسل و الزیارة فی الشریعة الاسلامیه، مطبعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده، مصر، ۱۳۸۸ق.

۴۱. قاضی عبدالجبار، ابوالحسن، شرح الاصول الخمسه، انتشارات مکتب وهبه، مصر، چاپ اول، ۱۳۸۴ق.
۴۲. — — طبقات المعتمزله، دارالتونسیه، تونس، چاپ اول، ۱۳۹۳ق.
۴۳. قزوینی، حافظ ابی عبدالله محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۴۴. قمی، ابی الحسن علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، انتشارات دارالکتاب، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، انتشارات اسوه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۴۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
۴۸. نسایی، احمد، سنن نسایی، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۳۴۸.
۴۹. هاشم‌زاده هریسی، هاشم، حقائق تحریف شده اسلام و مسئله تسفاعت، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۹۹ هـ.ق.
۵۰. هندی، علاء‌الدین علی المتقی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، بیروت، چاپ پنجم، ۱۹۸۵م.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی